

## کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی از منظر قرآن

مقاله پژوهشی  
اصیل  
Original  
Article

محمد عرب صالحی،<sup>۱</sup> فریده پیشوایی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** نظر به نوپدید بودن رویکرد اجتماعی در فهم توحید و ناپیدا بودن کارکردهای آن در جامعه؛ هدف این مقاله، تبیین کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی از منظر قرآن بود. توحید اجتماعی با رویکردی جدید در فهم اصل اعتقادی توحید، ماهیت اجتماعی توحید را که در ذات توحید نهفته است و تاکنون از منظر متکلمان مسلمان مغفول مانده، آشکار می‌سازد. این خوانش از توحید، کارکردها و ثمرات مختلفی دارد که بخشی از آن در این مقاله بیان شده است. **روش:** مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از آیات قرآن و تفاسیر اجتماعی، کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه را استخراج کرده است. **یافته‌ها:** توحید اجتماعی در کارکردی بینشی، مبانی انسان‌شناختی و جهان‌شناختی حاکمیت نظام توحیدی بر جامعه را تولید می‌کند و از حیث عینی و عملی، کارکردهای خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی و روان‌شناختی در جامعه دارد. **نتیجه‌گیری:** به دنبال ایجاد، ترویج و غلبه گفتمان توحید اجتماعی، جامعه توحیدی در مسیر تکامل و تعالی قرار خواهد گرفت که البته عملی شدن آن، شرایط خاص و پیچیده خود را دارد که کلام کاربردی و نهادهای اجرایی-فرهنگی متولی آن خواهند بود.

**واژگان کلیدی:** توحید اجتماعی، کارکردها، جامعه توحیدی، قرآن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶

۱. دانشیار گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم، ایران. Arabsalehi@iict.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه. قم، ایران (نویسنده مسئول).  
f.pishvae@dtc.ir

## الف) مقدمه

پرداختن به توحید اجتماعی به مثابه طرحی برای سامان دادن به زندگی بشر و ساختار جوامع، به سبب فقدان الگوی اصیل و حیانی و ناکارآمدی مدل‌های اومانستی نظریه‌پردازان غربی، حائز اهمیت است. نگارندگان در دو مقاله دیگر، ماهیت و مؤلفه‌های توحید اجتماعی را تبیین کرده‌اند که طبیعتاً به دلیل تازگی این موضوع، شایسته است تحقیقات تکمیلی در این باره ادامه یابد. در این روند، مقاله حاضر متکفل بیان کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه با ذکر شواهد قرآنی است؛ کارکردهایی که اگر به توحید به عنوان مسئله‌ای نظری و اعتقادی صرف نگاه کنیم، حاصل نخواهند شد. کارکردهای نظری و علمی توحید اجتماعی، مانند تأثیر آن در علوم اسلامی و فلسفه علوم انسانی نیز در مقاله‌های جداگانه بررسی خواهند شد. توحید اجتماعی، بازفهم توحید با رویکردی اجتماعی و بینش و ایده کلی آگاهانه است که اعتقاد به یگانگی خداوند در ربوبیت و عبودیت را در تمام ساحتهای زندگی انسان تسری می‌دهد. با توجه به تبیین ماهیت توحید اجتماعی و مؤلفه‌های آن در مقاله‌های پیش گفته، در اینجا به عنوان مدخل بحث، گفتنی است توحید در رویکرد اجتماعی، افزون بر اعتقادی نظری و قلبی، پذیرش حاکمیت اصل «لا إله إلا الله» در ساختار کلی جوامع است که به تمام جزئیات و فروع زندگی سرایت کرده و ضمن داشتن ماهیتی تحول‌آفرین، تمام اعمال، رفتار و تصمیمات کلان اجتماعی و فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گرچه این فهم از توحید، نوپدید است؛ ولی این ویژگی در ماهیت توحید وجود داشته و بنا به دلایلی که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست، از انظار اندیشمندان اسلامی مغفول مانده است. شاهد آنکه از همان بدو نزول قرآن، عربها معنی «الله» و «لا إله إلا الله» را در زبان خود به خوبی درک می‌کردند و می‌دانستند که الوهیت به معنی حاکمیت برتر است و توحید الوهیت و اختصاص دادن آن به خداوند، به معنای بازپس گرفتن سلطنت بر ضمائر، شعائر، واقعیات زندگی، سرمایه‌ها، قضاوتها و دل و جان مردم از کاهنان، سران قبایل، فرمانروایان و تفویض کامل آن به خداست. آنها می‌دانستند «لا إله إلا الله» شورش است علیه سلطه زمینی که اولین ویژگی الوهیت را غصب می‌کند و انقلابی است علیه وضعیتهایی که از این تعرض غاصبانه نشأت می‌گیرند و به معنای قیام علیه قدرتهایی است که بر اساس قوانین ضد الهی بر مردم حکومت می‌کنند (نک: سید قطب، ۱۳۸۷: ۱۵). این اصل، شعار مشترک تمام انبیای الهی بوده است.

از ضرورت‌های پرداختن به کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه، خلأ پژوهش‌های متقن و کاربردی از یک سو و لزوم گسترش فرهنگ قرآنی توحیدی در جامعه از سوی دیگر

## کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی ... ♦ ۱۲۳

است که در بند دوم تدابیر سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت لحاظ شده است (مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت)؛ همچنان که در این الگو، التزام به توحید به عنوان اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی و اصل الاصول حاکم بر همه سطوح و ساحات پیشرفت، از زمره مبانی عملی (اصول) و بنیادی ترین بایسته‌های برآمده از مبانی نظری به شمار رفته است (همان). تبیین کارکردهای درخشان و بی نظیر توحید اجتماعی، زمینه اقبال و توجه بیشتر جامعه علمی به تحقیقات درباره مبانی، ابعاد، گستره و قلمرو توحید اجتماعی را فراهم ساخته و مسیر را برای طراحی الگوی جامعه توحیدی و تبیین مختصات آن در راستای تصمیم‌سازی و بهره‌برداری در سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های کلی حاکم بر جامعه هموارتر خواهد ساخت.

ضرورت پرداختن به این بحث آنجاست که اساساً جامعه‌ای که شریعت خداوند قانون آن نباشد، ولو آن جامعه را مردمانی تشکیل بدهند که خویشتن را «مسلمان» بنامند و حتی نماز بجا آورند و روزه بگیرند و حج بروند، جامعه اسلامی نخواهد بود! همچنین جامعه‌ای که اسلامی مغایر با آنچه خداوند مقرر فرموده و پیامبر او شرح و تفصیل داده، از پیش خود برای خود ابداع کند و آن را مثلاً «اسلام مترقی» بنامد، جامعه اسلامی به حساب نمی‌آید. (سید قطب، ۱۳۸۷: ۸۴)

افزون بر آن، آشکار ساختن کارکردها و ثمرات توحید اجتماعی، در ترویج این گفتمان و تحقق بخشیدن عینی به آن در زندگی اجتماعی مؤثر خواهد بود. مطالعات و مشاهدات عینی و میدانی نشان می‌دهند عقب‌ماندگی بسیاری از جوامع اسلامی، ناشی از سرسپردگی به حکام غیر الهی، پذیرش حاکمیت نظام‌های سرمایه‌داری انسان‌محور و کنار نهادن برنامه مقرر خداوند برای زندگی و در حقیقت، تجاوز به حاکمیت الله است که نتیجه آن، ظلم به انسانها و ملت‌هاست.

### ۱. پیشینه

مهم‌ترین پیشینه این بحث، کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، شامل مجموعه سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۲) در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ با موضوع طرح تبیین رئوس و اصول کلی اندیشه اسلامی با تکیه بر قرآن کریم است.

در سالهای اخیر، درباره توحید اجتماعی تک‌نگاشتهایی نیز در قالب مقاله منتشر شده است؛ مانند مقاله «دکترین توحید اجتماعی؛ اندیشه‌ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و

تعالی معنوی موحّدان» (پورعباس و ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۸). پیش از آن نیز برخی مقالات به بعضی از کارکردهای اجتماعی توحید پرداخته‌اند؛ مانند مقاله «اصل توحید محوری و تأثیر آن بر اخلاق فردی و اجتماعی در المیزان» (همامی و یونسی، ۱۳۹۰)؛ «کاربست توحید و عدالت در ساخت توسعه فرهنگی از منظر قرآن کریم» (بجلی، ۱۳۹۶)، «کارکرد توحید باوری در شهرسازی» (وفادار و همکاران، ۱۳۹۶) و «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی و مادی تمدن نوین اسلامی» (ابراهیم‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷).

اما در جستجوی به عمل آمده درباره کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه با معنای یادشده، اثری یافت نشد و این امر، نوآوری این مقاله و اهمیت پرداختن به این بُعد از موضوع توحید اجتماعی را روشن می‌سازد.

پیش از پرداختن به ادامه بحث، سه نکته قابل ذکر است:

اول اینکه، قطعاً برشمردن تمام کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه، بیش از گنجایش این مقاله است. بنابر این، کارکردهای شاخص توحید اجتماعی در حد ظرفیت این نوشتار تبیین خواهند شد.

دوم اینکه، اصطلاح «کارکرد» در مباحث علمی دو استعمال دارد که یکی گسترده‌تر از دیگری است. مراد از کارکرد در معنای خاص، همان کارویژه‌هاست؛ یعنی اموری که هدف اصلی و اولیه موضوع باشند. کارکرد در معنای عام، هم کارویژه‌ها و هم فواید و ثمراتی را که در اصل مراد نبودند، ولی مترتب بر موضوع‌اند، در بر می‌گیرد. منظور از کارکردهای توحید اجتماعی در این مقاله، معنای عام کارکرد است؛ یعنی هم کارکردها به معنای کارویژه‌های توحید اجتماعی و هم فواید و آثاری را که مقصد اصلی و اولیه فهم توحید با رویکرد اجتماعی نیستند، شامل می‌شود.

سوم آنکه، در این نوشتار امکان پرداختن گسترده به تمام آیات نبود، لذا تلاش شد به میزان ظرفیت مقاله، برخی آیات به عنوان شاهد ذکر شوند.

## ب) کارکردهای دوگانه توحید اجتماعی

### ۱. کارکرد بینشی و تولید مبانی نظری نظام توحیدی

یکی از کارکردهای توحید اجتماعی، کارکرد بینشی و تولید مبانی نظری پشتیبان برای تحقق بخشیدن به حاکمیت نظام توحیدی بر جامعه است. این امر در محورهای ذیل قابل پیگیری است.

### یک) تولید مبانی جهان‌شناختی نظام توحیدی

تولید مبانی جهان‌شناختی توحیدی با رویکرد اجتماعی، از کارکردهای اصلی رویکرد اجتماعی به توحید است که از مبانی اصلی حاکم کردن نظام توحیدی در جامعه به شمار می‌رود و اگر توحید صرفاً اعتقادی بود و بروز و ظهور اجتماعی در جهان‌شناسی نداشت، مبنای جهان‌شناختی هم در این حدود بروز نمی‌داشت و نگاه ما به جهان دگگون می‌بود.

در بخش مبانی جهان‌شناختی سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت چنین آمده است:

- جهان با عوالم غیب و شهودش، سرشت توحیدی دارد و مراتب روحانی، مادی، دنیوی

و اخروی‌اش، پیوسته در مسیر تکامل و تعالی به سوی خداوند است.

- جهان، تجلی و آیت خداوند است و نظام علی- معلولی بر آن حاکم است. جهان مادی

در طول عالم ماوراست و عوامل مؤثر در آن، منحصر به علل مادی و طبیعی نیست.

- خداوند، جهان مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آبادکننده آن است، قرار داده

که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است. (مرکز الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت)<sup>۱</sup>

تبیین کارکردهای توحید با رویکرد اجتماعی، به منزله تفسیر و تشریح مبانی مذکور

خواهد بود. توضیح آنکه در بینش توحیدی اجتماعی، تمام هستی آفریده خدایند. همچنین

خداوند در متن هستی، قوانینی را به ودیعت نهاده که طبق آنها به حرکت درمی‌آید و حرکت

بین اجزای آن و حرکت کلی آن با این قوانین، هماهنگ است. این یعنی در ورای این جهان

هستی، اراده‌ای در کار است که آن را طرح‌ریزی می‌کند و قانونی وجود دارد که آن را

هماهنگ می‌سازد: «الذی له ملکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَکَمْ یَتَّخِذُ وَلَدًا وَکَمْ یُکْنُ لَهُ شَرِیکٌ فِی

الْمُلْکِ وَخَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِیرًا» (فرقان: ۲). این قانون بین همه اجزای جهان هستی

هماهنگی ایجاد می‌کند و به حرکات تمام آنها نظم می‌دهد، به همین دلیل، هیچ‌گاه با هم

برخورد پیدا نکرده و دچار آشفتگی و تعارض نمی‌شوند: «لَوْ کَانَ فِیهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ

لَفَسَدَتَا» (انبیاء: ۲۲)؛ و تا هروقت که خداوند بخواهد، از این حرکت منظم و مستمر خود باز

نمی‌ایستند. لذا جهان هستی همواره در برابر اراده‌ای که آن را طرح‌ریزی می‌کند و قدرتی

که آن را به حرکت درمی‌آورد و قانونی که آن را هماهنگ می‌سازد، محکوم و کاملاً تسلیم

است. به همین سبب، کل جهان صالح و بسامان است و تا وقتی که خداوند اراده نفرماید، به

نابودی و فساد دچار نمی‌شود (نک: سید قطب، ۱۳۸۷: ۸۲-۸۱). این مبنا به انسان این نوید را می‌دهد

که در مجموعه‌ای منظم، هماهنگ و هدفدار که تحت اراده مدبر توانمند حی و قیوم اداره می‌شود، قرار دارد. مجموعه‌ای که تمام موجودات آن در حال تسبیح و حمد خداوندند: «تَسْبِحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (اسراء: ۴۴)؛ «و يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نبا: ۱). این تسبیح و حمد، در حقیقت لازمه قدرت او بر همه چیز و مالکیت او نسبت به هر چیز است؛ زیرا تمام اوصاف جمال و جلالش در این دو امر نهفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۸۵). این وحدانیت در قدرت و مالکیت مطلق خداوند، لازمه فهم اجتماعی از توحید است. آیت الله جوادی آملی ذیل آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می‌نویسد: «اگر انسان این حقیقت را دریافت که هر موجودی مربوط خداست و رابطه‌اش با خدا، رابطه عبد و مولاست، نه تنها خود و همه اعضا و جوارحش، بلکه همه عوالم هستی را در حال عبادت یافته و خود را هماهنگ با کاروان بزرگ عابدان می‌بیند. این مسئله در جمله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» انعکاس یافته است. در این آیه، گستره ضمیر جمع در کلمه نعبده به مرتبه معرفت نمازگزار وابسته است؛ مراد نمازگزار متوسط از ایاک نعبده، خود اوست، با جمیع شئون ادراکی و تحریکی‌اش، آن هم در صورتی که همه حواس ظاهری و باطنی او در عبادت حضور داشته باشند. برتر از او نمازگزاری است که مرادش از نعبده، اعم از خود و دیگر نمازگزاران است، اما نمازگزاری که همه عوالم هستی را مربوط خدا و همه را در حال عبادت او می‌داند، از دریچه ضمیر متکلم مع‌الغیر در نعبده، گستره همه عوالم هستی را می‌نگرد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۳۴)

در بینش اجتماعی توحیدی، انسان هم جزئی از جهان هستی است و قوانینی که بر فطرت و آفرینش او حکم می‌رانند، از قانون حاکم بر کل جهان هستی جدا نیستند. همان خدایی که جهان و انسان را آفریده، انسان را نیز همانند جهان هستی در برابر قوانین خود به خضوع درآورده و برای سازماندهی هماهنگ حیات ارادی انسان با حیات طبیعی او، «شریعت» را وضع فرموده است. بنابر این، «شریعت» نیز پاره‌ای از همان ناموس عام الهی است که بر آفرینش انسان و کل هستی حکم می‌راند و همه آنها را مجموعاً و همزمان با هم هماهنگ می‌سازد. بدین ترتیب، هر کلمه‌ای از کلمات خداوند و هر امر و نهی، وعد و وعید و تشریح و رهنمود او، پاره‌ای از همان ناموس عام خواهد بود (سید قطب، ۱۳۸۷: ۸۴-۸۲). این مضمون در آیه ۸۳ آل عمران تأکید شده است: «آیا آنها غیر از آیین خدا می‌طلبند؟! (آیین او همین

اسلام است) و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر [فرمان] او تسلیم‌اند و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند».

در تفسیر این آیه گفته شده که خداوند دو گونه فرمان در عالم هستی دارد: یک سلسله از فرمانهای او به صورت قوانین طبیعی و مافوق طبیعی است که بر موجودات مختلف این جهان حکومت می‌کند و همه آنها مجبورند در برابر آن زانو بزنند و لحظه‌ای از این قوانین سرپیچی نکنند و اگر فرضاً سرپیچی کنند، ممکن است نابود شوند. این نوعی «اسلام و تسلیم» در برابر فرمان خداست. نوع دیگری از فرمان خدا هست که فرمان تشریحی نامیده می‌شود؛ یعنی قوانینی که در تشریح آسمانی و تعلیمات انبیا وجود داشته است. تسلیم در برابر آنها جنبه «اختیاری» دارد و تنها افراد باایمان هستند که به خاطر تسلیم در مقابل آنها شایسته نام «مسلمان» می‌باشند. البته سرپیچی از این قوانین نیز بالمآل دست کمی از سرپیچی از قوانین آفرینش ندارد، که این هم باعث انحطاط و عقب‌ماندگی یا نابودی است و از آنجا که جمله «اسلم» در آیه، اشاره به معنی وسیع اسلام است که هر دو قسمت را در بر می‌گیرد، لذا می‌فرماید: جمعی از روی اختیار تسلیم می‌شوند (طوعاً)، مانند مؤمنان و جمعی از روی اجبار (کرها)، مانند کافران نسبت به قوانین تکوینی. بنابر این، معنی آیه این است که کافران با اینکه از قبول اسلام در برابر بخشی از فرمانهای خدا سر باز زده‌اند، ناچار به قبول بخش دیگر شده‌اند. پس چرا آنها در برابر همه قوانین الهی و دین حق یکباره تسلیم نمی‌شوند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۴۳-۶۴۴). نتیجه آنکه، حاکمیت شریعت الهی بر زندگی انسان که ریشه‌دار، اصیل و هماهنگ با قوانین عالم کلی حاکم بر جهان است، به مصلحت او، سعادت بخش و وحدت آفرین خواهد بود و از هر گونه تضاد، تفرقه و فساد جلوگیری خواهد کرد و در نقطه مقابل، عبودیت نفس و پیروی از آن و تبعیت از طاغوتها و نافرمانی از حق که همان شریعت الهی باشد، موجب فساد و تباهی است: «وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ» (مؤمنون: ۷۱)؛ و اگر حق از هوسهای آنها پیروی کند، آسمانها و زمین و همه کسانی که در آن دو هستند، تباه می‌شوند. علامه طباطبایی ذیل آیه می‌نویسند: «خداوند در آیه قبل فرمود: بیشتر مشرکان از حق بدشان می‌آید؛ چون مخالف هوی و هوس ایشان است. آنان می‌خواهند حق تابع هوی و هوس ایشان باشد؛ نه اینکه آنان تابع حق باشند و این هم که ممکن نیست؛ چون باید چنین چیزی در سایر موجودات نیز جایز باشد و آنها نیز از نظام حقی که برای آنها قرار داده شده، سرپیچی نموده و رو به فساد گذارند، چون بین «حق» و «حق» فرق نیست، پس باید اجازه دهد آسمانها و زمین آنچه بخواهند، انجام دهند و اختلال و فساد

در آنها و آنچه بین این دو است، ایجاد و قوانین کلی عالم نقض شود و روابط منظم اجزای آن به روابط مختل و مناقض با مقتضیاتشان تبدیل شود تا هر یک مطابق دلخواه خود عمل کنند و معلوم است چنین تغییری مساوی است با فساد عالم و کار زمین و آسمان و موجودات بین آن دو، و تدبیر جاری در آن را به تباهی می‌کشاند» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۴۶)

بر این اساس، تشکیلات زندگی انسان باید بر مبنای جهان‌بینی و طرز تفکری به وجود آمده باشد که در آن، جهان هستی و کیفیت ارتباط آن با خدا، تفسیر و تحلیل شود و موقعیت انسان در این جهان و هدف نهایی از آفرینش او و چگونگی ارتباطاتی که می‌تواند او را به این هدف برساند، تعیین شود (نک: سید قطب، ۱۳۵۹: ۳۶)؛ چنانکه در مبنای جامعه‌شناختی «الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت»، تأکید شده که جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزشهای دینی است و دینداری فردی آحاد جامعه، به تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست (متن سند)<sup>۱</sup>. بنابراین، برای تحقق جامعه اسلامی، افزون بر دینداری افراد آن، باید نظامها و مناسبات اجتماعی و عملکرد کارگزاران بر پایه اصول و ارزشهای اسلامی استوار شود.

با اثبات این مبنا، این نتیجه حاصل می‌شود که عبودیت به معنای واقعی کلمه و نه در قلب و ذهن، تنها اختصاص به خداوندی دارد که خالق و مدبر جهان هستی است و نظام حاکم برای اداره این جهان به صورت کلی و حیات انسان به صورت خاص، تنها قوانین و شریعت الهی است. این مبنا، الزامات و تعهداتی را برای انسان به دنبال دارد که ماهیتاً با بینش غیر توحیدی متفاوت است و در نگاه سنتی به توحید نیز مغفول مانده است.

#### دو) تولید مبانی انسان‌شناختی نظام توحیدی

نگاه متفاوت مکاتب به انسان و ماهیت او، در تبیین نظم و ساختار اجتماعی بسیار تأثیرگذار است. در نگاه اجتماعی به توحید، خداوند به عنوان منبع و سرچشمه وجود و همه کمالات معرفی و نزدیک شدن آگاهانه انسان به او و کسب جایگاه خلیفه‌اللهی روی زمین، هدف اصلی آفرینش انسان شمرده شده است. به همین دلیل، هدف غایی انسان از حرکت و تلاش، فعالیت و سلوک انسانی، رسیدن به مراتب قرب الهی است؛ همان طور که ما از خداییم، به سوی او نیز بازخواهیم گشت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶)

این هدف در بخش مبانی انسان‌شناختی سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، پیش‌بینی شده است:



- هدف از آفرینش انسان، معرفت و عبادت پروردگار و در پرتو آن، دستیابی به مقام قرب و خلیفه‌اللهی است. بعد فطری او که ناشی از نفعه الهی است، منشأ کرامت ذاتی و نیز برخورداری از اوصاف خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزشهای متعالی است؛ چنان‌که بعد طبیعی او، منشأ دیگر اوصاف و نیازهای مادی گوناگون است. انسان در کشاکش مقتضیات این دو دسته صفات و نیازها و تحقق معقول و متعادل آنها به کمالات اکتسابی دست می‌یابد.

- حیات انسان پس از مرگ تداوم می‌یابد و چگونگی حیات اخروی مبتنی بر باور، بینش، منش، اخلاق، کنش و رفتار آدمیان در زندگی دنیوی است.

- با توجه به مبادی پیش‌گفته، انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری از دادرسی عادلانه است. (متن سند)<sup>۱</sup>

در این بخش از سند، تأکید بر این است که انسان موجودی اجتماعی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی استعدادهای خود را در بستر تعامل و مشارکت جمعی جستجو می‌کند که لازمه آن ترویج و غلبه گفتمان توحید اجتماعی است. این یعنی برای رسیدن به هدف غایی خلقت انسان، باید الوهیت و ربوبیت انسان، علاوه بر ابعاد فردی، در ساحت‌های اجتماعی زندگی انسان و در ساختار جوامع و حاکمیت کلی جریان داشته باشد. گفتنی است در این بخش همانند مبنای قبل، از التزام به توحید اعتقادی صرف و غفلت از ماهیت اجتماعی توحید، مبانی یادشده هرگز حاصل نخواهند شد و تحولی که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد انتظار است، به وجود نخواهد آمد.

همچنین نگاه اجتماعی به توحید در حوزه مبانی مربوط به انسان، ثابت می‌کند که فرمانروایی مطلق از آن خداوند است و تمام انسانها از هر نژاد، قوم و طبقه اجتماعی در برابر او یکسان‌اند و هیچ انسانی بر انسان دیگر امتیازی ندارد، مگر به واسطه فضایل اکتسابی و میزان تلاش در جهت تقرب به خداوند.

در جهان‌بینی توحیدی، نقش انسان در برخورد با زندگی‌اش نقش استخلاف است؛ یعنی خداوند انسان را جانشین خود روی زمین ساخته است. رابطه انسان با طبیعت در این صورت رابطه مالک و مملوک نیست، بلکه رابطه امین با مورد امانت است. همچنین رابطه انسان با انسان دیگر در هر پایگاه اجتماعی که باشند، رابطه دو همکار در انجام وظیفه خلافت الهی

است و هیچ‌گونه رابطه‌ی آقا و برده، مالک و مملوک یا خدایی و بندگی در بین نیست. این تعبیر اجتماعی است که قرآن طرح‌ریزی کرده و دقیقاً با طرز جهان‌بینی انسان در اسلام مربوط می‌شود. در مقابل این طرح قرآن، با انکار ارتباط و پیوند با خدا، روابط هر جزئی با جزء دیگر داخل این پیوند اجتماعی دگرگون می‌شود و ساختمان اجتماعی به صورت دیگری عرضه می‌شود. در این فرض، صورتهای مختلفی از مالکیت و صورتهای متفاوتی از آقایی و سیادت انسانها، نسبت به انسانهای دیگر، پدید آمده و در نمایشگاه زندگی خودنمایی می‌کنند (نک: صدر، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۳۶). با لحاظ این مینا، آزادسازی انسانها از اطاعت از هر معبودی غیر از خداوند و رهاسازی ملتها از هرگونه اسارت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سبب خواهد شد از تمام ظرفیتهای خدادادی انسانها در جامعه اسلامی برای تحقق اهداف متعالی اسلام و بهسازی جامعه و زندگی دنیوی و تأمین سعادت اخروی بهره گرفته شود.

## ۲. کارکردهای عینی و عملی توحید اجتماعی در جامعه

محور دوم کارکردهای توحید اجتماعی، ثمرات عینی و عملی توحید در جامعه است. در رویکرد اجتماعی به توحید باید نظامها و مناسبات اجتماعی و عملکرد کارگزاران و در کل ساختار جامعه بر پایه فرمانروایی الهی و دو اصل ربوبیت و عبودیت الله استوار شود و این امر برخلاف نظر جامعه‌شناسان غیر موحد که معتقد به تحول قوانین با تحول جوامع و پیشرفت زمان و مکان‌اند، تنها از طریق قوانین و احکام فرازمانی و فرامکانی جاویدان و منبعث از منبع وحی و مبدء یگانه صورت می‌گیرد که در صورت تحقق آن، نتایج ذیل را در ساحت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تربیتی به دنبال خواهد داشت.

### یک) کارکرد اجتماعی: تحول آفرینی و ساماندهی به نظام اجتماعی

از کارکردهای بنیادین توحید اجتماعی، ساماندهی به نظام اجتماعی و تحول جامعه غیر توحیدی به جامعه توحیدی با محوریت حکومت الله است. این مؤلفه در اوایل بعثت پیامبر(ص) که شعار اصلی نفی نظام قبیلگی و اشرافی‌گری و استقرار حاکمیت یکتاپرستی بود، در نظام اجتماعی شهر مکه قابل ردیابی است. یکی از نگرانی‌های قریش و به دنبال آن، مخالفت با آیین پیامبر(ص)، نگرانی از فروپاشی نظام اجتماعی حاکم بر مکه بود.

خداوند در قرآن کریم این تحول را چنین بیان می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ او کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده، رسولی از خودشان

## کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی ... ۱۳۱

برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه کند و کتاب و حکمت بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

از آیه دریافت می‌شود که بعثت پیامبران، عامل رویش، جهش و رستاخیز در همه سطوح و امور جامعه است (قرائی، ۱۳۸۸، ج ۱۰: ۲۷). دقت در واژه «ضلال مُبین» (گمراهی آشکار) در آیه دوم سوره جمعه که به عنوان سابقه قوم عرب بیان شده، اشاره سربسته و پرمعنایی است به عصر جاهلیت و جامعه غیر توحیدی که گمراهی بر سراسر جامعه آنها حکمفرما بود؛ و چه گمراهی از این بدتر و آشکارتر که بتهایی را که از سنگ و چوب با دست خود می‌تراشیدند، پرستش می‌کردند و در مشکلات خود به این موجودات بی‌شعور پناه می‌بردند. دختران خود را با دست خویش زنده به گور کرده، به این عمل مباحثات نیز می‌کردند که نگذاشتند ناموسشان دست بیگانگان بیفتد! مراسم نماز و نیایش آنها کف زدن و سوت کشیدن در کنار خانه کعبه بود و حتی زنان به صورت برهنه گرد خانه خدا طواف می‌کردند و آن را عبادت می‌شمردند! و جنگ، خونریزی و غارتگری مایه مباحثاتشان! زن در میان آنها متاع بی‌ارزشی بود که حتی روی آن قمار می‌زدند! و از ساده‌ترین حقوق انسانی محروم بود. کینه‌ها و عداوتها را پدران همانند ارث به فرزندان منتقل می‌کردند و با ندای توحیدی پیامبر (ص) بود که تحولات عمیقی در ابعاد مختلف جامعه جاهلی صورت گرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴: ۱۰۸)

همچنین قرآن، وضعیت جامعه جاهلی و شرک آلود پیش از بعثت پیامبر (ص) را مانند ایستادن بر لبه گودال آتش دانسته است: «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ لبه و پرتگاه حفرة آتش و آتشفشانی که شعله و دود آن فضای روحی و اجتماعی را فرا می‌گیرد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۲۵۸). قرآن با این جمله، اوضاع خطرناک عصر جاهلیت را منعکس می‌سازد که هر لحظه خطر جنگ و خونریزی آنها را تهدید می‌کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۲)؛ اما به دعوت توحیدی پیامبر (ص)، این وضعیت دگرگون شده و از حالت ناامن به امنیت و نجات راه یافتند.

پیروی از این الگو و تمسک جستن همگانی به توحید اجتماعی که هدف بعثت انبیای الهی بوده، نظام اجتماعی را متحول کرده و از روابط بینافردی، حزبی، مذهبی تا ساختار کلان جامعه را تحت الشعاع قرار داده و امنیت و صلح به ارمغان خواهد آورد.

### دو) کارکرد اقتصادی

حاکمیت توحید در جامعه، برکات اقتصادی زیادی از جمله موارد ذیل را به دنبال دارد.

**- جلوگیری از فسادهای مالی در جامعه:** پرهیز از فسادهای مالی مانند کم‌فروشی، تقلب در معامله، کم‌ارزش جلوه دادن اجناس مردم و ایجاد خلل در اقتصاد، از آثار و برکات توحید اجتماعی است. قرآن درباره قوم شعیب می‌فرماید: «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۸۵)؛ و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابراین، حق پیمان‌ه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نگاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

طبق تفاسیر، فساد قوم شعیب، کم‌فروشی و فساد اقتصادی بوده است. در روایتی، امام صادق (ع) مراد از «إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ» را فراوانی و ارزانی اجناس دانسته‌اند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۰۶). آیه شریفه از یک طرف با مخاطب قرار دادن قوم و از طرف دیگر با آوردن حرف فاء در «فَأَوْفُوا»، این مسائل مهم را نتیجه توحید عبادی یک قوم و امت دانسته است. با توجه به این نکته، توحید اجتماعی، پاکدستی و... اجتماعی را برای جوامع به ارمغان می‌آورد.

در پیش اجتماعی توحیدی، مالک حقیقی تمام اموال، خداوند متعال است و انسانها ودیعه‌داران اموال‌اند (نک: خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۶۴) و به کار بست مفید و بهینه آن در سطح کلی جامعه تأکید شده است. علامه طباطبایی در تفسیر «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نسا: ۵)، که جعل اموال برای قوام زندگی به الله نسبت داده شده، «اموالکم» را اموال سفیهان از یتیمان و سر نسبت دادن به «کم»؛ یعنی اولیای مخاطبان را، عنایت به تعلق مجموع ثروت عالم به مردمان و آیه را مشتمل بر حکم عام خطاب به جامعه می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۱۷۰). علامه با استناد به آیه «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)، اصل مهم اقتصادی را گوشزد می‌کند و آن اینکه، در یک نگاه کلی و کارشناسانه، اموال و ذخایر موجود در زمین به تمامی انسانها اختصاص دارد و همه جامعه ملزم‌اند در حفظ و رشد آن و جلوگیری از تضییع آن، از جمله اموال سفها بکوشند.

**- نزول برکات آسمان و زمین:** مطابق برخی آیات، اگر مردمان شهرها و مجتمعات همگی موحدانه می‌زیستند و ایمان واقعی به خدا و رعایت تقوا داشتند، درهای رحمت الهی به سوی ملتها گشوده می‌شد: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه

### کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی ... ♦ ۱۳۳

می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم؛ ولی [آنها حق را] تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». (اعراف: ۹۶)

لازمه این امر، تقوای اجتماعی و عمومی در سطح کلان جامعه و به دنبال آن، اجرای دستورات شریعت است، نه ایمان و تقوای قلبی صرف. در این آیه، توحید و ایمان به خداوند به عنوان یک امر اجتماعی لحاظ شده و نه یک امر قلبی فردی؛ زیرا از کاربرد «أهل الْقُرَى» و تعبیر «أْمَنُوا وَأَتَقَوْا» فهمیده می شود که التزام همگانی به تقوا و توحید است که چنین تأثیر شگرفی دارد؛ چرا که تقوای یک فرد یا یک قوم یا حتی یک کشور که به تجربه ثابت شده خالی از تأثیرات مثبت اقتصادی نیست، اما چنین تأثیر شگرفی که در آیه آمده، مترتب بر آن نیست. این نگاه به آیه، پاسخگوی بسیاری از شبهات در این زمینه خواهد بود. برای مثال، پاسخ به این شبهه که چرا وعده های قرآن درباره مسلمانان یا کشورهای اسلامی و حتی عاملین به آموزه های دین اسلام تماماً محقق نشده یا طبق آیه، خبری از بارش برکات آسمان و زمین نیست، با توجه به این رویکرد روشن خواهد شد. زمانی که توحید به معنای واقعی کلمه در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و فردی نفوذ و رسوخ داشته باشد، زمینه برای تحقق کامل وعده های الهی فراهم خواهد شد؛ همچنان که روایات از تحقق مدینه فاضله و گشایش در تمام امور و ... در زمان ظهور آخرین حجت الهی بر روی زمین خبر داده اند.

**- بسیج، تقویت و شکوفایی سرمایه های انسانی:** از ثمرات فهم صحیح و اجتماعی از توحید، آزادی حواس و عقلها از یوغ طاغوتها و معبودهای دروغین و جهت بخشی توحیدی به آنهاست. به دیگر سخن؛ خداسازیها و شرکها مانند اندیشه انحرافی مسیحیان، رومیان، یونانیان، اسرائیلیان و ایرانیان در آتش پرستی و شخص پرستی، استعدادهای محرک به کمال را در بند می کشد؛ در مقابل آن؛ توحید، در شناخت و عبادت و در جهت حرکت قوای روحی و اجتماعی است که دیده ها را باز و استعدادها را برمی انگیزد و امتیازات را برمی دارد و درهای برکات را به روی همه می گشاید (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۱۶۶-۱۶۵). توحید اجتماعی با ایجاد تحول نفسانی و هماهنگی قوای جسمی و روحی و با از میان برداشتن فاصله های وهمی و ساختگی و رفع احساس ناامنی و تبعیض، سرمایه های انسانی را بسیج، استعدادها را شکوفا و قوه ابتکار، خلاقیت و سازندگی را قدرت بخشیده و موجب گسترده شدن عدالت در سراسر جامعه خواهد شد.

**- رفع تبعیضهای مالی در جامعه:** گسترش عدالت اجتماعی در جامعه و رفع انحصارطلبی و تجمع اموال در گروه یا طبقه خاص، از دیگر کارکردهای اقتصادی حاکمیت

توحید در جامعه است. آیه «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ» (حشر: ۷) با تعبیر «مَا أَفَاءَ اللَّهُ» و نسبت دادن فیء به خداوند و اختصاص آن در اولین مرحله به خداوند (فَلِلَّهِ) پس از بیان نحوه مصرف فیء با تعبیر «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، به اصل اقتصادی بسیار مهم «عدم انحصار اموال و ذخایر مالی در اختیار عده‌ای محدود» اشاره دارد و برای ضمانت اجرای آن، در پایان امر به تقوا کرده است. این آیه در صدد نفی پیش فرض و ذهنیت اختصاص امتیازات مادی به صاحبان قدرت و ثروت است. این اصل مهم اقتصادی به این نکته تأکید دارد که محرومان به خاطر ضعف در مطالبه حقوقشان، معمولاً به ثروتها و اموال عمومی دسترسی ندارند و در نتیجه، اموال و دارایی‌ها در اختیار جماعت خاص و محدود از صاحبان قدرت و سلطه قرار می‌گیرد که با اهداف نظام اقتصادی سازگار نیست و نتیجه آن، فساد در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۲: ۱۰۷). از این اصل، فروع بسیار استخراج شده که باید در تمام مباحث اقتصادی در جامعه اسلامی جریان داشته باشد.

#### سه) کارکرد سیاسی

کارکردهای سیاسی حاکمیت توحیدی در جامعه به شرح ذیل می‌باشند.

**- تثبیت حاکمیت مطلق الله و قوانین توحیدی:** تثبیت حاکمیت مطلق و بی‌قید و شرط و نفی تسلط هر قدرت و قانون غیر الهی، از ثمرات سیاسی توحید اجتماعی است؛ زیرا لازمه توحید اجتماعی که همان هدف بعثت پیامبران است، آزادسازی انسانها از زنجیرهای عبودیت غیر خدا و کرامت‌بخشی به انسانهاست که از آیه «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) می‌توان استفاده کرد. اسلام با دعوت به توحید خالص و مقابله با همه انواع و مراتب شرک، انسان را از بندگی و بردگی انسانها و اشیا و اوهام و همچنین خودپرستی آزاد کرده و همه خدایان دروغینی را که مردم مقدسشان دانسته‌اند و آنان را جدا از خداوند یا همراه با او، اعم از رجال دین یا رجال دنیا و حکام و سلاطین، به عنوان سرور و آقا و ارباب خویش قرار داده‌اند، باطل و بیهوده به شمار می‌آورد (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۲۰۰). تنها خداوند است که برای بشریت به حکم آفریدن ایشان و در اختیار نهادن نعمتهای بی‌شمار، حق تشریح و قانون‌گذاری را برایشان دارد و تنها اوست که حق دارد اموری را برایشان حرام و اموری را حلال کند و حکم و فرمان و آفرینش و امر از آن اوست: «أَفَعَبِّرَ اللَّهُ أَبْغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا» (انعام: ۱۱۴) (همان: ۲۰۱) و علت آن است که هیچ معبودی جز خداوند و آنچه منسوب به اوست، حقیقت ندارد: «شما به جای او جز

## کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی ... ♦ ۱۳۵

نامهایی [چند] را نمی‌پرستید که شما و پدرانان آنها را نامگذاری کرده‌اید و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید». (یوسف: ۴۰)

بسیاری از قدرتها، سازمانها، مؤسسات، سمینارها، قطعنامه‌ها، ملاقاتها و حمایتها و محکومیتها و عناوین و القاب دیگر، اسمهای بی‌مسمّا و بتهای مدرن روزگار ما می‌باشند که بشر به جای خدا، دنباله‌رو آنان شده؛ در حالی که هر قانونی جز قانون الهی متزلزل است (قرائی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۰۸). دلیل قرآنی بر این امر، بی‌اثر بودن هر قدرتی غیر از قدرت خداوند است: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ» (یونس: ۱۸)؛ آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «بنی‌امیه اجازه دادند که ایمان را به مردم تعلیم کنند، ولی هرگز اجازه ندادند که مسئله شرک را به آنها بیاموزند؛ تا هرگاه بخواهند آنها را وادار بر شرک کنند، آن را نشناسند». این حدیث، گواه روشنی است که شرک می‌تواند به عنوان یک ابزار مخرب سیاسی و اجتماعی در دست یک گروه ظالم و بیدادگر قرار گیرد؛ در حالی که ایمان به توحید و شاخه‌های آن می‌تواند ریشه آن ظالمان را قطع کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۸۰). به تعبیر سید قطب، گاهی جاهلیت در شکل جامعه‌ای ظاهر می‌شود که وجود خدا را انکار نمی‌کند، اما به او فرمانروایی در آسمان را می‌دهد و از حکومت در زمین عزل می‌کند! به این ترتیب که شریعت او را در نظام زندگی پیاده نمی‌کند و ارزشهای ثابتی را که او برای زندگانی بشر مقرر فرموده است، حاکم نمی‌گرداند. این جامعه مردم را آزاد می‌گذارد که در صومعه‌ها و کلیساها و مساجد به عبادت خداوند بپردازند، ولی اجازه نمی‌دهد خواستار پیاده شدن قانون خدا در زندگی خودشان باشند و از این رو، الوهیت خداوند را در زمین نفی می‌کند یا مانع از تحقق یافتن آن می‌شود (سید قطب، ۱۳۸۷: ۸۴). بنابراین، جوامعی که قوانین، ارزشها و هنجارهای خود را بر اساس نظامی غیر الهی و غیر توحیدی پی‌ریزی می‌کنند، مصداق جاهلیت نوین به شمار می‌روند.

**- برپایی حکومت ولایت‌محور: جاهلیت امروز، حاکمیت را به بشر واگذار می‌کند و عده‌ای از آنها را معبود عده‌ای دیگر می‌سازد؛ آن هم نه بدان شکل ابتدایی و ساده‌ای که در دوران جاهلیت قبل از اسلام وجود داشت، بلکه به شکل ادعای حق وضع بینشها، ارزشها، شریعتها، قوانین، نظامها و اوضاع و با کنار نهادن برنامه مقرر خداوند برای زندگی و از راههایی که هرگز خداوند آن را تجویز نکرده است. مسلماً از این سرپیچی از فرمانروایی**

خداوند در زمین، تجاوز و ظلم به بندگان خدا پدید می‌آید. لذا تمام ذلت‌هایی که «انسان» در نظام‌های جمع‌گرا متحمل می‌شود و همه ظلم‌هایی که با سیطره سرمایه و استعمار در نظام‌های «سرمایه‌داری» بر «افراد» و ملت‌ها می‌رود، صرفاً اثری از آثار همین تجاوز به فرمانروایی خداوند و انکار کردن کرامتی است که خداوند برای انسان مقرر فرموده است (سید قطب، ۱۳۸۷: ۵). اما در جهان‌بینی توحیدی، توحید با ولایت الله و ولی او در پیوند عینی و واقعی است. این معنا در حدیث سلسله‌الذهب: «و لَأِ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي (قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا) بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، به روشنی بیان شده است. در این روایت، توحید منطقه امن و پناهگاه انسان معرفی شده که ورود به آن از راه پذیرش ولایت ولی خدا می‌گذرد. آشکار است که منظور از لَأِ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، صرف به زبان آوردن چند لفظ نیست؛ بلکه عقیده‌ای است که در زندگی نیز بسط و جریان دارد. وقتی تنها مالک حقیقی عالم، خداوند است؛ تنها کسی حق تصرف و وضع قانون در عالم را دارد که خداوند این اجازه را به او داده باشد و او همان انسان کامل، ولی خدا و واسطه فیض اوست. بنابر این، اعتقاد به توحید و لَأِ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تنها با پذیرش ولایت مطلقه ولی خدا در عرصه زندگی محقق می‌شود که همان توحید اجتماعی است. آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «اینکه در قرآن می‌فرماید «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ، سُبُلَ السَّلَامِ» (مانده: ۱۶)؛ کسانی که به خدا ایمان پیدا کنند، خداوند آنها را هدایت می‌کند و به راه‌های سلامت و به راه‌های سلیم و همزیستی سوق می‌دهد، به‌خاطر مبنای توحیدی جامعه اسلامی است. ولایت هم معنایش همین است. ولایت؛ یعنی پیوند؛ یعنی ارتباط؛ ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیر قابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه اجزای این جامعه اسلامی به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه، یعنی ولی، متصل است. ... لازمه ولایت، جامعه اسلامی و لازمه توحید، جامعه اسلامی است». (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹)

طبق مسلمات اعتقادی اسلامی، رابطه اصیل حکومت و ولایت بشری، در طول توحید در حاکمیت بوده و رابطه‌ای مستقیم و اصیل است و حاکم بشری اگر همان حاکمی باشد که خداوند متعال تعیین کرده، حکومت بشری بالاصاله، مطابق با واقع و در طول آن قرار دارد. در غیر این صورت، حکومتی غیر مطابق با واقع و کاذب است (نک: شب‌بویی و الله‌بداشتی، ۱۳۹۸). با این نگاه، حکومت در اسلام، ریشه در توحید دارد که ابتدا در جریان نبوت انبیا ظهور یافته و با جریان ولایت امتداد می‌یابد.



**حفظ اتحاد سیاسی جامعه و جلوگیری از تفرقه و تشتت:** از دیگر ثمرات سیاسی توحید اجتماعی، حفظ اتحاد سیاسی جامعه، ایجاد وحدت بین امتها و پرهیز از تکثر و جنگ و خونریزی، حول محور پرستش الله است. نگاه اجتماعی به توحید در خالقیّت و اینکه پروردگار تمام انسانها یکی است، می تواند حلقه ارتباطی میان تمام انسانها شود، آنها را عضو یک خانواده معرفی کند و از فخر فروشی و استکبار بازدارد (بقره: ۲۱۳، ۲۸۵؛ انعام: ۱۵۹؛ شوری: ۱۳؛ هود: ۱۱۹-۱۱۷). انسانها با اختصاص عبودیت به خداوند و با فرمان پذیری و خضوع در برابر او، از عبادت کردن یکدیگر و تسلط هر قدرت سیاسی و نظامی غیر از الله آزاد شده و تنها در شعاع حاکمیت او قرار می گیرند؛ زیرا «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰). توحید اجتماعی همواره در حال مبارزه با حاکمان و مبعودهای دروغین و ساختگی و آزادسازی بندگان از بند ذلت است؛ از این رو در قرآن می فرماید مشرکان هر زمان می شنیدند که پیامبر (ص) لاله الا الله را به زبان می آورند، از حضرت روی برمی گرداندند (اسراء: ۴۶). راز این مطلب هم در این نهفته بود که لاله الا الله، در بر دارنده این است که گرمی ترین افراد نزد خداوند، باتقواترین آنهاست و نه طبقه یا امتیاز خاص و... (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۵۰). به عبارت دیگر؛ لازمه توحید اجتماعی، یکپارچگی و در نتیجه، وحدت و همبستگی سیاسی بین انسانهاست؛ چون همگی تحت یک قدرت واحد قرار دارند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ». (آل عمران: ۱۰۳)

آیه، امر به اعتصام جمعی دارد؛ تشبیه و استعاره کوتاه و حسی بحبل الله، آیات، سنن و احکام و کتاب الهی و تعهدات ناشی از آنها را می نمایاند که اعتصام به مجموع آنها فرد و جمع را از بازگشت و ارتجاع به جاهلیت، پراکندگی و سقوط بازمی دارد و به سوی توحید و کمال و بروز استعدادها بالا می برد؛ همچون رشته عهدی که بین خالق و خلق است. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۲۵۵-۲۵۶)

#### چهار) کارکرد تربیتی و روان شناختی

بخشی از کارکردهای توحید اجتماعی در جامعه، کارکردهای تربیتی و روان شناختی است که نمونه هایی از آن به شرح ذیل می باشند.

**تبدیل نیکی ها از صورت فردی به هنجارهای اجتماعی:** از کارکردها و ثمرات اجتماعی شدن توحید، تربیت اجتماعی توحیدی و هنجار شدن خوبی ها و نیکی ها در جامعه است که در آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره مؤمنون از اوصاف موحدان و معتقدان به بازگشت به سوی پروردگار شمرده شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ لَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ

أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ؛ و آنان که به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند و آنان که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و با این حال، دل‌هایشان هراسناک است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان بازمی‌گردند، (آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند (و مشمول عنایات ما هستند).

تعبیر «یسارعون فی الخیرات» به صورت فعل مضارع و «سابقون» نشان می‌دهد در جامعه توحیدی که شرک از آن برچیده شده: «وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ»؛ انجام کارهای نیک به صورت همگانی استمرار داشته و تبدیل به هنجار اجتماعی شده است؛ به گونه‌ای که موحدان در انجام امور خیر و نیک با هم رقابت دارند و از یکدیگر پیشی می‌گیرند.

**- آرامش‌زایی اجتماعی و افزایش قوای روحی در جامعه: آرامش‌زایی و عدم هراس جوامع و امتهای از ظالمان به دلیل اتکا به قدرت لایزال الهی، از دیگر آثار روان‌شناختی توحید اجتماعی است.** در قرآن کریم می‌فرماید: «این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی‌اساس) می‌ترساند. از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!». (آل عمران: ۱۷۵)

آیات «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) و «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۲)، شاهد دیگری بر این مدعایند. با در نظر گرفتن رویکرد اجتماعی، جامعه‌ای که نام و یاد خدا در آن نفوذ کرده باشد و حکمرانی مطلق او در تمام ساختار و لایه‌های نظام آن در جریان باشد، در فراز و فرودها و حوادث و مشکلات، به ویژه در مقابل دشمنان، با تکیه بر قدرت و توانایی نامحدود خداوند و یادکرد بشارت نصرت و یاری موحدان، پوشالی بودن قدرتهای غیر الهی را درک و احساس آرامش کرده و تهدیدهای دشمنان نیز هیچ تأثیری نخواهد داشت؛ زیرا باور عمومی این است که عزت و قدرت، تنها از آن خداوند است: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹)؛ «و من کان یزید العزّه فله العزّه جمیعاً» (فاطر: ۱۰).

آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «آمدند گفتند علیه شما دارند توطئه می‌کنند، بترسید، [مسلمانان را] می‌ترساندند. قرآن می‌فرماید از آنها نترسید، از من بترسید؛ خدای متعال را عبادت کنید، اعتماد به خدا کنید، در مقابل دشمن محکم بایستید و می‌توانید دشمن را به عقب برانید. خود این ترساننده از افراد ظالم که به انسان می‌گوید از این و از آن بترسید، از این قدرتها بترسید و ملاحظه کنید، شیطان است؛ که ما در طول تاریخ هم مشاهده می‌کنیم

کسانی که از این قدرتها ترسیده‌اند، دچار آزمونهای سخت و تلخ زندگی شده‌اند. امروز قدرتهای اسلامی، دولتهای اسلامی ملاحظه قدرتهای ظالم دنیا را می‌کنند، از آنها می‌ترسند و قدرت خودشان را ندیده می‌گیرند؛ نتیجه این می‌شود که تو سرشان می‌خورد». (سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶)

این اطمینان خاطر برای موحدان از این نظر حاصل می‌شود که معتقدند خالق این جهان، یعنی الله، به طور ذاتی و اصیل متّصف به تمام صفات نیک و نیکی آفرین است. او دارای دانش، قدرت، حیات، اراده و تصمیم است؛ او زنده جاودان، اصیل و حقیقی است؛ آن کسی که حیات از آن او و هدیه و موهبت اوست؛ آن کسی که زندگان به زندگی او زنده‌اند و اگر او نباشد، اگر او نخواهد و اراده نکند، یک زنده و یک جلوه زندگی در جهان باقی نخواهد بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۴۵، ۱۴۷)

افزون بر آن، قرآن علاوه بر دادن اطمینان و آرامش به مؤمنان می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ «و سست و محزون نشوید و اگر مؤمن باشید، غالب و برتر خواهید بود». این رهنمود الهی با «سست شدن» به موازات «حزن» مقابله می‌کند؛ چون اینها دو احساس مستقیم‌اند که به نفس در این مقام هجوم می‌برند. لذا برای مقابله با این دو احساس، به صبر و ثبات اکتفا نمی‌کند و استعلا و احساس برتری کردن را مطرح می‌سازد. استعلایی که همواره از بالا به قدرتهای طغیانگر و به ارزشهای حاکم و به بینشهای رایج و به اعتبارات و اوضاع و عادات و به توده‌های ضلالت گزیده می‌نگرد (سید قطب، ۱۳۸۷: ۱۳۴). تصمیم این نگرش در جامعه نسبت به قدرتهای استکباری، موجب هم‌افزایی قوای روحی، محکم شدن اراده‌ها و تقویت انگیزه‌ها شده و در نقطه مقابل، هراس و اضطراب را در جبهه مشرکان ایجاد خواهد کرد که هر دو زمینه‌ساز غلبه موحدان بر تمام قدرتهاست.

#### - گسترش یافتن افق دید و آسودگی از کوتاه‌بینی و نزدیک‌بینی‌ها: پیدا کردن

بینش وسیع و گسترش افق دید و مقدمه دانستن دنیا برای سعادت آخرت، از دیگر کارکردهای تربیتی حاکمیت نظام توحیدی بر ساحت‌های مختلف زندگی است. انسان موحد به دلیل بهره‌مندی از وسعت افق دید و محدود نکردن زندگی به حیات گذرای دنیوی، از تنگ‌نظری‌ها، کوتاه‌بینی‌ها و نزدیک‌بینی‌ها آسوده است. او می‌داند فکر توحیدی به درازای عمر بشر و دارای قلمرو است. افق دید انسان موحد، در مسائل مادی و نیازهای پست و حقیر خلاصه نمی‌شود، بلکه او در کنار نیازهای مادی‌اش، صدها نیاز از عظیم‌ترین و عزیزترین نیازهای انسان را می‌بیند. آینده را در مقابل خود بی‌نهایت وسیع می‌بیند. او برای دنیا آخری قائل نیست؛ آخر دنیا را متصل به آخرت می‌بیند و مرگ را پایان راه فرض نمی‌کند، بلکه

دریچه و معبری به سوی دنیای وسیع تر می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۲۸). به همین دلیل، زندگی دنیا، پول دنیا، آسایش و محبت‌های دنیا برایش ارزش و اصالت ندارد، بلکه وقتی برای او ارزش پیدا می‌کند که در راه خدا باشد (همان: ۱۶۸). این بینش توحیدی به انسان آرامش روانی داده و حاضر است در راه خدا از عزیزترین داشته‌اش، یعنی جان خود بگذرد و به مقام رضای الهی دست یابد.

با نگاه اجتماعی به توحید، این بینش وسیع توحیدی در سطح جامعه گسترش یافته و به انسانها بصیرت می‌بخشد. در چنین جامعه‌ای، کنشگران برای تحقق حاکمیت نظام توحیدی و نفی سلطه طاغوتها، حاضرند در راه خدا از لذات موقت مادی و عزیزترین داشته‌ها، یعنی جان خود بگذرند و به مقام رضای الهی دست یابند.

در جمع‌بندی نهایی از مباحث، می‌توان به نقش دستورات آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) در تحقق جامعه توحیدی اشاره کرد. در واقع؛ این آیه موارد چهارگانه را مترتب بر ایمان کرده است؛ یعنی ایمان واقعی چنین لوازمی دارد و به تعبیر دقیق‌تر، عبارت اخیری توحید اجتماعی است.

تعبیر «صابروا» تأثیر متقابل و همگانی در پایداری و مقاومت را بیان می‌کند؛ یعنی باید از صبر فردی، جامعه‌ای صابر پدید آید که پیوسته یکدیگر را به صبر وادارند و به هم نیرو و قدرت بخشند. منظور از «و رابطوا»، ایجاد و تحکیم و توسعه روابط همه‌جانبه و اجتماعی مرتبط در همه شئون است. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۶۴)

### ج) نتایج

این مقاله نشان داد فهم توحید با نگاه و رویکرد اجتماعی، که از نیازهای عاجل جوامع اسلامی است، کارکردهای نظری و عملی در جامعه دارد. توحید اجتماعی ضمن پشتیبانی از مبانی نظری حاکمیت اجتماعی توحید؛ در ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، روان‌شناختی و تربیتی، نقش آفرین است. غلبه گفتمان توحید اجتماعی در جامعه که در گام اول نیازمند تولید مبانی نظری است، موجب پویاسازی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی شده و با رهایی بندگان از قید بندگی در مقابل معبودهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، سبب خواهد شد تمام ظرفیتهای خدادادی انسانها در جامعه توحیدی شکوفا شده و از آنها برای تحقق اهداف متعالی اسلام و بهسازی جامعه و زندگی دنیوی و تأمین سعادت اخروی بهره‌برداری شود. البته واضح است مطالب مذکور، در مقام نظر است و اجرای آنها شرایط پیچیده و سازوکارهای مخصوص به خود را دارد که بخشی از آنها، مأموریت و وظیفه کلام کاربردی

کارکردهای «توحید اجتماعی» در جامعه توحیدی ... ۱۴۱

و بخش دیگر، وظیفه نهادهای اجرایی و فرهنگی است. در این میان، مهم قرار گرفتن در مسیر حاکمیت مطلق الهی است و طبیعی است ظرفیتها و شرایط در مقدار تحقق این الگوی اجتماعی تأثیر بسزایی دارد.

### منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیم نژاد، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۷). «تأملی در کارکرد توحید عبادی نسبت به مظاهر عینی و مادی تمدن نوین اسلامی». تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ش ۴۵.
- بجلی، زهرا (۱۳۹۶). «کاربست توحید و عدالت در ساخت توسعه فرهنگی از منظر قرآن کریم». مطالعات تفسیری و معناشناختی قرآنی، ش ۱.
- پورعباس، محمد و محمدرضا ابراهیم نژاد (۱۳۹۸). «دکترین توحید اجتماعی؛ اندیشه‌ای بنیادین در تکامل هندسه توحیدی و تعالی معنوی موحدان». پژوهشهای عقلی نوین، ش ۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم: صهبا.
- سید قطب (۱۳۵۹). آینده در قلمرو اسلام. ترجمه سید علی خامنه‌ای. تهران: بی‌نا.
- سید قطب (۱۳۸۷). نشانه‌های راه. ترجمه سید محمود محمودی. تهران: احسان.
- شب‌بویی، حمیدرضا و علی‌الله بداشتی (۱۳۹۸). «رابطه توحید در حاکمیت، با ولایت بشری». اندیشه نوین دینی، ش ۵۷.
- صدر، محمدباقر (۱۳۸۱). سنتهای تاریخ در قرآن. تهران: تفاهم.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
- قرآنی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۲). قرآن، منشور زندگی. ترجمه عبدالعزیز سلیمی. تهران: احسان.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- وفادار، مریم و همکاران (۱۳۹۶). «کارکرد توحیدباوری در شهرسازی». پژوهشنامه کلام، ش ۷.

- همامی، عباس و حمیدرضا یونسی (۱۳۹۰). «اصل توحیدمحوری و تأثیر آن بر اخلاق فردی و اجتماعی در المیزان». پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۸
- <https://farsi.khamenei.ir>
  - <https://m.olgou.ir/newsletter>
  - **The Holy Qur'an.**
  - Bijli, Zahra (2016). "The application of monotheism and justice in the construction of cultural development from the perspective of the Holy Quran". Quranic interpretive and semantic studies, volume 1.
  - Ebrahimnejad, Mohammad Reza et al. (2017). "Reflection on the function of devotional monotheism towards the objective and material manifestations of modern Islamic civilization". Islamic history in the mirror of research, Vol. 45.
  - Fadhlullah, Sayyid Muhammad Husain (1998). **Min Wahy al-Qur'an**. Beirut: Dar al-Milak.
  - Hamami, Abbas and Hamidreza Younesi (2013). "The monotheistic principle and its effect on individual and social ethics in al-Mizan". Qur'an and Hadith Research Journal, Volume 8.
  - Javadi Amoli, Abdollah (2009). **Tasnim Interpretation**. Qom: Isra.
  - Khamenei, Seyyed Ali (2013). **An Outline of Islamic Thought in the Qur'an**. Qom: Sahba.
  - Makarem Shirazi, Nasser (1992). **Nemooneh Interpretation**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
  - Makarem Shirazi, Nasser (2007). **The Message of the Qur'an**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
  - Moghniyeh, Mohammad Javad (2002). **Al-Tafsir al-Kashif**. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
  - Pour Abbas, Mohammad and Mohammad Reza Ebrahimnejad (2018). "The doctrine of social monotheism; A fundamental idea in the evolution of monotheistic geometry and spiritual excellence of monotheists". Modern intellectual researches, No. 7.
  - Qara'ati, Mohsen (2009). **Noor Interpretation**. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
  - Qaradawi, Youssef (2003). **Qur'an, the Charter of Life**. Translated by Abdul Aziz Salimi. Tehran: Ehsan.
  - Sadr, Mohammad Baqer (2002). **Traditions of History in the Qur'an**. Tehran: Tafahom.
  - Sayyid Qutb (2008). **Signs of the Road**. Translated by Seyyed Mahmoud Mahmoudi. Tehran: Ehsan.
  - Sayyid Qutb (1980). **The Future in the Realm of Islam**. Translated by Seyyed Ali Khamenei. Tehran: BiNa.
  - Shabbouei, Hamidreza & Ali Allah Badashti (2019). "The Relationship between Monotheism in Sovereignty and Human Guardianship". *Modern Religious Thought*, No. 57.
  - Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (2011). **Al-Mizān fi Tafsir al-Qur'an**. Beirut: Al-A'jami press institute.
  - Taleqani, Seyyed Mahmoud (1983). **A Ray of the Qur'an**. Tehran: Enteshar Co.
  - Vafadar, Maryam and colleagues (2016). "The Function of Monotheism in Urban Planning". *Research Journal of Kalam*, Volume 7.